

نگاهی به سفر دوم مقام ارشد پاکستانی به کشورهای منطقه؛ شهباز شریف در عربستان، عاصم منیر در ایران

تکاپوی میانجی‌از ریاض تا تهران

میراحمد رضا مشرف | همزمان با سفر عاصم منیر فرمانده ارتش پاکستان به ایران و دیدار با وزیر خارجه کشورمان، شهباز شریف نیز روز گذشته عازم ریاض شد تا سفر چند روزه خود به منطقه را از این کشور آغاز کند. گفته شده نخست‌وزیر پاکستان پس از ریاض به آنکارا خواهد رفت و البته از قطر نیز به عنوان یکی از مقاصد احتمالی سفر منطقه‌ای وی یاد شده‌است. اما در حالی که سفر مقامات عالی‌رتبه پاکستانی به عربستان امری معمول محسوب می‌شود، آنچه به این سفر اهمیت و حساسیتی دوچندان بخشیده، شرایط زمانی وقوع آن است. شهباز شریف در زمانی عازم ریاض می‌شود که منطقه جنگ ۴۰ روزه ناشی از تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی را پشت سر گذاشته‌و در سایه یک آتش‌بس بسیار شکننده، دور اول گفت‌وگوهای صلح با میانجی‌گری اسلام‌آباد به شکست انجامیده است. در عین حال چالش به‌وجود آمده بر سر تنگه هرمز نیز شرایط ویژه‌ای را در حوزه تأمین انرژی برای بسیاری از کشورها و به‌خصوص پاکستان رقم زده است. بنابراین هدف سفر فوری و به تعبیری «اضطراری» نخست‌وزیر پاکستان به منطقه و به‌ویژه عربستان را می‌توان از دو جنبه مورد توجه قرار داد.

■ **رایزنی منطقه‌ای و ادامه میانجی‌گری**

از جلب حمایت ریاض تا امکان ترتیبات امنیتی مشترک در منطقه؛ باوجود شکست دور اول گفت‌وگوهای میان ایران و آمریکا در اسلام‌آباد، مقامات پاکستان انگیزه‌های زیادی برای پیگیری این مذاکرات و جلوگیری از بالا رفتن سطوح تنش در منطقه دارند. هرگونه تشدید تنش در منطقه می‌تواند ناخودآگاه اسلام‌آباد را به معرکه درگیری‌ها بکشاند، به‌خصوص با توجه به توازن دشواری که اسلام‌آباد تاکنون در روابط با کشورهای هم‌چون ایران، آمریکا و عربستان برقرار کرده است. علاوه بر این، موفقیت اقدامات میانجی‌گرانه پاکستانی می‌تواند در تقویت موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور،

فراخبر

نماینده لهستانی، اسرائیل را به نازی‌ها تشبیه کرد و ایتالیا پیمان دفاعی خود را با تل آویو به تعلیق درآورد

از ورشو تا رم، همه علیه «رایش سوم»

امروز آن‌هاست.»

سفارت رژیم صهیونیستی این اقدام را «وحشت‌آفرینی یهودستیزانه» خواند و سفیر آمریکا در ورشو نوشت: «شرم بر تو!»، رئیس مجلس لهستان نیز این حرکت را غیرقابل توجیه دانست و احتمال پیگرد قضایی مطرح شد. واکنش‌ها اما در شبکه‌های اجتماعی کاملاً متفاوت بود. کامنت‌ها از زیربانی‌ه محکومیت این اقدام توسط وزارت خارجه لهستان سیل وار آمد: کاربری لهستانی با ارجاع به تصویر بن گویر که ستخاق سینه «اعدام» را روی کنش نصب کرده‌به واکنش وزارتخانه کنایه‌زده نوشت: «به نظر وقتش است سیاستمداران اسرائیلی را که به دنبال اعدام زندانیان فلسطینی بدون محاکمه هستند، محکوم کنید.» کاربر دیگری نوشت: «آیانسل کنش فلسطین را که اسرائیل از سال ۲۰۲۳ هر دقیقه در حال انجام آن است محکوم می‌کنید؟ دست‌از ترسو بودن بردارید! دیگر خسته شدیم.»

همزمان درم، جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا در حاشیه یک رویداد در ورونا اعلام کرد دولتش تجدید خودکار پیمان همکاری دفاعی ۲۰۰۳ با اسرائیل را تعلیق کرده‌است. این توافق که شامل تبادل تجهیزات نظامی و تحقیقات فناوری مشترک می‌شود، هر پنج سال یک‌بار تمدید می‌شد. ملونی دلیل را «وضعیت فعلی خاورمیانه» دانست؛ وضعیتی که جنگ غزه، تنش در لبنان و درگیری‌های گسترده‌تر را شامل می‌شود.

این دو رویداد در کمتر از ۲۴ ساعت، تصویری از تأثیر نسل‌کشی بر افکار عمومی در اروپا را ترسیم کردند: در لهستان، جایی که هولوکاست بیشترین قربانی را گرفت، یک نماینده تالو استفاده ابرازی از حافظه تاریخی را شکست؛ در

ایتالیا، دولتی که زمانی حامی نزدیک اسرائیل بود، حالا به خاطر ادامه‌کشتار در غزه حوادث لبنان، همکاری نظامی را معلق کرد. کامنت‌های مردمی لهستان و تصمیم‌رم، هر دو یک پیام روشن دارند: خشم عمومی از آنچه در غزه می‌گذرد، دیگر بار بر جسد‌های همیشگی قابل کنترل نیست.



تحلیلگر الجزیره در یادداشتی برای وبگاه این رسانه نوشت

ایران؛ آخرین مانع پروژه «اسرائیل بزرگ»



جابر تأکید می‌کند «اسرائیل بزرگ» دیگر فقط یک آرمان تالمودیک از رود فرات تا نیل نیست، بلکه شامل سلطه نظامی بر بخش‌های وسیعی از منطقه و گسترش مداوم حوزه نفوذ سیاسی-امنیتی است. برای دستیابی به این هدف، اسرائیل نیازمند حذف موانع منطقه‌ای است و ایران را آخرین و جدی‌ترین این موانع می‌داند.

■ **نقش ایران به عنوان مانع مرکزی**

به گفته نویسنده، ایران طی «ده‌ها در برابر سه هدف اصلی اسرائیل ایستادگی کرده:

- **گسترش سرزمینی (مانع دسترسی اسرائیل به مناطق استراتژیک مانند شرق اردن و جنوب لبنان)**

جهان

گزارش

یک پویش مدنی در قاره سبز به رکوردی تاریخی از تقاضا برای «تعلیق توافق اروپا با اسرائیل» دست پیدا کرد

یک میلیون امضا
دریغ از یک گام عملیات

نیک‌بندار | یک پویش مدنی در اروپا با بیش از یک‌میلیون امضا به مرز رسمی رسید. این پویش که توسط ائتلاف چپ اروپا و سازمان‌های جامعه مدنی حامی فلسطین راه‌اندازی شده، صراحتاً از اتحادیه اروپا می‌خواهد توافق این اتحادیه با اسرائیل را به دلیل «جناایات جنگی و نقض حقوق بین‌الملل در غزه» به‌طور کامل تعلیق کند. در متن این پویش به کشتار گسترده غیرنظامیان، جای‌جایی اجباری جمعیت و نابودی سیستم‌اتیک بیمارستان‌ها و زیرساخت‌های پزشکی اشاره شده و اسرائیل متهم به سرپیچی از دستور دیوان بین‌المللی دادگستری برای جلوگیری از نسل‌کشی شده‌است.

این یک میلیون امضا، کمیسیون اروپا را ملزم می‌کند موضوع را به‌طور رسمی بررسی کند و توضیح دهد چه اقدامی انجام خواهد داد یا چرا اقدامی نمی‌کند. پارلمان اروپا نیز ممکن است جلسه‌ای با برگزارکنندگان تشکیل داده‌و حتی قطعنامه‌ای را بررسی کند.

اما این ابتکار شهروندی فقط نوک کوه‌بخ است. در واقع یک تغییر عمیق و پایدار در افکار عمومی اروپایی‌ها در حال شکل‌گیری است

که فراتر از گروه‌های چپ‌گرا یا فعالان حامی فلسطین رفته‌و به‌بخش بزرگی از شهروندان عادی رسیده‌است.

■ **نظرسنجی‌ها: حمایت از اسرائیل در پایین‌ترین سطح تاریخی**
آخرین نظرسنجی جامع اروپایی‌که توسط (YouGov EuroTrack) در ژوئن ۲۰۲۵ برگزار شد و معتبرترین و جدیدترین داده‌ها را ارائه می‌دهد، نشان می‌دهد بیش از نیمی از اروپایی‌ها مطلقاً از اسرائیل خوششان نمی‌آید. این نظرسنجی در ۶ کشور کلیدی اروپای غربی (بریتانیا، آلمان، فرانسه، دانمارک، ایتالیا و اسپانیا) انجام شد و نتایج آن نشان‌دهنده سقوط شدید حمایت از اسرائیل است و تنها ۱۳ تا ۲۱ درصد شهروندان در این کشورها نظر مثبت نسبت به اسرائیل دارند. ۶۳ تا ۷۰ درصد نظر منفی یا بسیار منفی ابراز کرده‌اند. و حمایت مطلق از اسرائیل به پایین‌ترین سطح از آغاز برگزاری این نظرسنجی در سال ۲۰۱۶ رسیده: ۵۵ درصد اسپانیایی‌ها، ۵۴ درصد دانمارکی‌ها، ۵۲ درصد ایتالیایی‌ها، ۴۸ درصد فرانسوی‌ها و حتی ۴۴ درصد آلمانی‌ها شدیداً از اسرائیل متنفر شده‌اند.

همچنین، تنها ۶ تا ۱۶ درصد شهروندان معتقد بودند پاسخ‌نظامی اسرائیل به حمله ۱۷ اکتبر «متناسب» بوده‌است. نظرسنجی Pew Research Center در بهار ۲۰۲۵ نیز تأیید می‌کند در ۲۰ کشور از ۲۴ کشور بررسی شده، حداقل نیمی از مردم نظر نامساعد نسبت به اسرائیل دارند و در برخی کشورهای اروپایی مانند اسپانیا، سوئد، هلند و یونان این رقم به ۷۰ درصد یا بالاتر می‌رسد. نکته مهم این‌که روند نزولی حمایت اروپایی‌ها از اسرائیل از سال ۲۰۲۳ آغاز شده و همچنان ادامه دارد. تحولات میدانی تنها این فاصله را بیشتر کرده‌است و شرکت‌کنن رژیم‌بر جنگ تحصیلی علیه کشورمان حتی ممکن است این حمایت را کمتر کند.

■ **دلایل اصلی این چرخش بزرگ**

این تغییر افکار عمومی ریشه‌در عوامل متعددی دارد: پخش گسترده تصاویر فعالیت‌های غیرانسانی اسرائیل در غزه، گزارش‌های سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری درباره تلفات بالای غیرنظامی (بیش از ۵۵ هزار نفر طبق آمار رسمی)، اتهامات نقض حقوق بین‌الملل و احکام دیوان بین‌المللی دادگستری، اعتراضات گسترده خیابانی در شهرهای اروپا و احساس «دونگانگی استاندارد» در سیاست خارجی اتحادیه اروپا؛ جایی که اروپا در موضوع اوکراین قاطع بود اما در غزه انتقادهای لفظی را به اقدامات عملی ترجیح داد.

■ **یک میلیون امضا اما دریغ از یک گام عملیات**

هرچند جمع‌آوری یک میلیون امضا علیه اسرائیل اقدامی تاریخی است و برابندی از احساسات منفی نسبت به این رژیم را در قاره سبز نشان می‌دهد اما بعید است با اقدام جدی از سوی اتحادیه اروپا همراه باشد و به احتمال زیاد از سطح یک قطعنامه محکومیت فراتر نخواهد رفت. در سپتامبر ۲۰۲۵، اوسولوفون در لاین پیشنهاد تعلیق جزئی برخی مزایای تجاری را داد. با این حال، توافق انجمن (که از سال ۲۰۰۰ اجرایی است و اسرائیل را به شریک تجاری مهمی در اروپا تبدیل کرده با حجم تجارت ۴۲٫۶ میلیارد یورو در ۲۰۲۴) همچنان با برجاست. پیشنهادهای محدود هم به دلیل مقاومت شدید برخی کشورها اجرانشده‌اند.

به‌همین دلیل است که باید گفت رسیدن این ابتکار شهروندی اروپایی به بیش از یک‌میلیون امضا، آینه‌ای روشن از تغییر عمیق و پایدار در افکار عمومی اروپاست. این پویش، کمیسیون اروپا را ملزم به بررسی رسمی و توضیح اقدامات خودمی‌کند و ممکن است به بحث‌هایی در پارلمان اروپا منجر شود. با این حال، اتحادیه اروپا در نهایت به تعلیق کامل توافق انجمن با اسرائیل رأی نخواهد داد، حداقل در کوتاه‌مدت و در شرایط فعلی.

دلیل اصلی این پیش‌بینی، شکاف عمیق سیاسی میان ۲۷ کشور عضو است. هرگونه تصمیم جدی برای تعلیق بخش‌های تجاری توافق نیاز به اکثریت واجد شرایط در شورای اروپا دارد، اما کشورهایمانند آلمان (به دلیل تعهدات تاریخی و ملاحظات امنیتی)، مجارستان، چک و چند کشور دیگر همچنان با شدت از اسرائیل حمایت می‌کنند و مانع شکل‌گیری اجماع لازم شده‌اند. علاوه بر این، منافع اقتصادی قابل توجه و همکاری‌های استراتژیک و فناوری با رژیم، بروکسل را از اقدام قاطع بازمی‌دارد. حتی پیشنهاد تعلیق جزئی فون در لاین نیز پس از ماه‌ها هنوز به مرحله اجرا نرسیده‌است.

در نتیجه، این ابتکار شهروندی بیشتر قدرت و عمق خشم و ناامیدی بخش قابل توجهی از جامعه مدنی اروپا را نشان می‌دهد تا ابزاری واقعی برای تغییر فوری سیاست خارجی اتحادیه. توافق انجمن همچنان پارچا خواهد ماند، اما فشار افکار عمومی و اعتراضات خیابانی احتمالاً انتقادهای لفظی و اقدامات نمادین اروپا را در ماه‌های آینده تشدید خواهد کرد. شکاف میان خیابان‌های اروپا و سالن‌های تصمیم‌گیری بروکسل همچنان عمیق است و تا زمانی که این شکاف پر نشود، روابط رسمی اتحادیه با اسرائیل - هرچند پر تنش - ادامه خواهد یافت.